

نگاه **علی احمدفراهانی**: تاریخ‌پژوه

استاد اعظم و واپسین ناکامی سیاسی

لیبرالیزه کردن جامعه، در عین حکومت نظامی!

۴۴سال پیش در چنین روزهایی، جعفر شریف‌امامی در کسوت نخست‌وزیر تعیین شده از سوی شاه، سعی داشت تا شرایط را برای تداوم حکومت محمدرضا پهلوی مهیا سازد. او در این راستا، به اقدامات و طرح وعده‌هایی دست زد تا جامعه مصمم آن روز را بفریبسد و امواج پر قدرت انقلاب را که رو به فزونی بود، کمرِرق سسازد؛ امری که در آن توفیقی نیافت و نهایتاً به کناره گیری وی انجامید. اما آنچه این استاد اعظم فراماسونری ایران، برای فرونشاندن موج گسترده ناراضیانی‌ها برگزید، چه موردی بودند و در آن دوره، تا چه حد می توانست از خشم مردم بکاهد؟ سیدمر نضی حسینی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این موضوع آورده است:

«شریف‌امامی راه نجات شاه را تشکیل دولت آشتی ملی دانست. او که صدای انقلاب مذهبی مردم را شنیده بود، گمان می کرد با وعده اصلاحات می تواند جلوی حرکت انقلابیون را بگیرد و این اشتباهی مسلم بود. شریف‌امامی اولویت نخست خود را آرام کردن روحانیت و نفوذ در میسان آنان قرار داد، چه از نقش و نفوذ روحانیت در میان انقلابیون آگاه بود. بنابراین به اعمال اقداماتی همچون: حذف سمت وزیر مشاور دولت در امور زنان و تأسیس وزارتی با عنوان اداره موقوفات مذهبی، بستن چندین قمارخانه و تعطیلی بسیاری از کلوب‌های شبانه، راهاندازی دوباره تقویم اسلامی، آزادی عمل دادن به احزاب سیاسی، برداشتن سانسور مطبوعات، اجازه پخش تلویزیونی به مذاکرات مجلس و تدوین برنامه مبارزه با فساد، افزایش حقوق کارمندان دولت در سراسر کشور، صدور دستور مجازات سریع عاملان قتل عام معترضان شهرهای تبریز و اصفهان، انحلال حزب رستاخیز، برگزاری تعدادی از بهائیان از بست‌های دولتی و دادن وعده برگزاری انتخابات آزاد پرداخت. حتی روزنامه‌های کثیرالانتشار، تصویر بزرگ و تمام‌صفحه امام‌خمینی را در صفحه نخست خود منتشر کردند که نشان می داد دولت قصد مذاکره با امام را دارد. ولی این اقدامات بر اختلافات داخلی موجود میان خشونت‌گرایان و مسالمت‌جویان حلقه شاه افزود و در مقابل، توان نیروهای انقلابی را افزایش داد، چه هزاران نفر از ایرانیان تبعیدی به ایران بازگشتند و به خیل معترضان پیوستند…»



دهه ۳۰، جعفر شریف‌امامی در گفت‌وگو با محمدرضا پهلوی

استاداعظم در مدت کوتاه صدارت خویش، تصویری از جامعه ایده‌آل خود و دولتش ارائه می‌کرد که هیچ نسبتی با جامعه پر از بحران آن روزها نداشت. فاصله مردم با کسانی که در مسند کار بودند، به قدری عمیق و گسترده شده بود که به نظر می‌رسید مسئولان امر در عالمی کاملاً متفاوت سیر می‌کنند؛ نهایتاً با کشتار ۱۷شهریور ۵۷، داعیه لیبرال مسلکی شریف‌امامی نیز رنگ باخت و او راهی دیار خاموشان کرد!

استاد اعظم در مدت کوتاه صدارت خویش، تصویری از جامعه ایده‌آل خود و دولتش تصویر می‌کرد که هیچ نسبتی با جامعه پر از بحران و اعتراض آن روزها نداشت. فاصله مردم با کسانی که در مسند کار بودند، به قدری عمیق و گسترده شده بود که به نظر می‌رسید مسئولان امر در عالمی کاملاً متفاوت سیر می‌کنند؛ نهایتاً با کشتار ۱۷شهریور ۵۷، داعیه لیبرال مسلکی شریف‌امامی نیز رنگ باخت و او راهی دیار خاموشان کرد. سیدهاشم منیری، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در تحلیل ماجرا می‌نویسد:

«آنچه در مصاحبه نخست‌وزیر با روزنامه دویچه ساینتوگ، به حد مضحک‌آوری دیده می‌شود، تلقیح سیاست لیبرالیزه کردن جامعه با استقرار حکومت نظامی است. او می‌گوید: حکومت نظامی فقط آزادی اجتماعات را محدود کرده است، ما مشغول تهیه قانونی هستیم که در آن مقررات لازم برای اجتماعات آزاد نیز پیش‌بینی شده است… اما این قوانین و کشتار مردم در میدان ژاله، خلع لیبرالیزه کردن و متناقض با آن بود. بعد از قظاهرات روز عید فطر، رژیم از ترس این حجم از مخالفان، در دوازده شهر بزرگ ایران حکومت‌نظامی اعلام کرد. به‌دنبال سربچی مردم از این دستور، فرمان شلیک به جمعیت صادر شد و امکان هرگونه مصالحت با رژیم، برای همیشه خاتمه یافت و یکبار دیگر شاه برای نجات تاج و تختش، به نیروهای مسلح و انتصاب ارتشبد غلامرضا هاری روی آورد. در نگاهی کلی شریف‌امامی در هر دو اپیزود از نخست‌وزیری‌اش، نتوانست در فرونشاندن اعتراضات، حل و فصل مسائل مرزی و آنچه خود آشتی ملی می‌خواند، حاصلی به‌دست آورد. او در هر دو بار اسیر سیاست‌های داخلی شد و پرونده او با استعفا و برکناری خاتمه یافت و رو به خاموشی نهاد…»

احمد سینیایی

روزنامهنگار

در ۲۱مهرماه ۱۳۴۲، جعفر شـرفـیـامـامـی به ریاست مجلس سنا انتخاب شد. عباس مسعودی و محمد سجادی نیز، نواب رئیس شدند. برای آنکه به راز ماندگاری چهره‌هایی چون شـرفـیـامـامـی در سیستم پهلوی بستنی بپردازیم، مقال بی آمده، در صدد بسط اشارات برخی تاریخ‌پژوهان در این باره است. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

در حالات «میرزا جعفر شریف‌الاسلامی»

در آغاز سخن بهنگام می‌نماید که پیشینه جعفر شریف‌امامی، به اختصار مورد بازخوانی قرار گیرد؛ اینکه او از کدامین نقطه سیاست را آغازید و نهایتاً چگونه توانست به‌مناصب پراهمیت و دارای ردیف‌های اعتباری بالا دست یابد و در حاکمیت رژیم گذشته، جایگاهی تثبیت شده یابد. حسن کلاته پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در تک‌نگارهای کوتاه در باب‌حیات شریف‌امامی، چنین آورده است:

«میرزا جعفر شریف‌الاسلامی فرزند حاج میرزا محمدحسین، باحذف میرزا از اول اسم و تغییر نام خانوادگی به شریف‌امامی، در شهریور ۱۲۸۹ در کوچک حاج‌مالعلی کنی در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی، دوره متوسطه را در مدرسه آلمانی‌ها به اتمام رسانید و جهت ادامه تحصیل، توسط وزارت راه به آلمان اعزام شد. پس از اتمام تحصیلات، در راه‌آهن استخدام شد و به‌تدریج مراحل ترقی و پیشرفت را طی کرد. در دوران جنگ جهانی دوم، به اتهام همکاری با آلمانی‌ها دستگیر و پس از چندی آزاد و به سمت مدیر کل بنگاه مستقل آبیاری انتخاب شد. جعفر شریف‌امامی در کابینه سپهبد زر‌م‌آ، به کفالت وزارت‌راه منصوب شد. پس از آن در کابینه حسین علاء عضو شورای عالی سازمان برنامه و در کابینه سپهبد فضل‌الله زاهدی، به‌مدیرعاملی سازمان برنامه منصوب شد. در دوره دوم، مجلس سنا نماینده تهران شد و در کابینه کنتز منوچهر اقبال، دوره متوسطه را در صنایع و معادن منصوب گشت. شریف‌امامی پس از دکتز شریف‌امامی در سال ۱۳۴۱، به نیابت بنیاد پهلوی انتخاب شد و در انتخابات سال ۱۳۴۲، مجدداً تهران به مجلس سنا راه یافت و به‌عنوان ریاست مجلس سنا برگزیده شد. وی علاوه بر سنست‌های دولتی، اقتصادی، و فرهنگی و آموزشی، فراماسون و به‌عنوان رئیس فراماسون‌های ایران، مستقویت چندین لژ فراماسونری را برعهده داشت. در سال ۱۳۵۷ برای مه‌ار و جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، با تمام اختیارات به سمت نخست‌وزیری برگزیده شد، کابینه خود را «دولت آشتی ملی» نامید و در ظاهر، خود را حامی مردم و از خانواده‌ای روحانی معرفی کرد اما با برقراری حکومت نظامی، فاجعه و کشتار جمعه سیاه (۱۷شهریور)، را رقم زد!اتلاش وی در تغییر مسیر انقلاب و حرکت اسلامی مردم ایران نتیجه نداد و سرانجام در ۱۴آبان ۱۳۵۷، استعفا کرد و جای خود را به تیمسار غلام‌رضا هاری داد. جعفر شریف‌امامی در سال ۱۳۷۸ در آمریکا درگذشت.»

«استاد اعظم»، مورد حمایت پهلوی دوم
شریف‌امامی پیشرفت خود در سیستم پهلوی را، مدیون ۲ امر بود: عضویت مؤثر در فراماسونری و حمایت پهلوی دوم از وی تا چهره‌های پرتایقه این جریان در ایران را به کناری نهد و منزوی کند. به واقع این به نفع شاه بود که در فرایند حضور بر تعداد و مؤثر ماسون‌ها در ایران، بتواند لژ و اشخاص وابسته به خویش را ارتقا دهد و آنان را در این نهاد، برجسته سازد. محمد اسماعیل شیخانی پژوهشگر تاریخ

تاریخ



استاد اعظم، هماره بر مسند اویزگی جعفر شریف‌امامی که او را در سیستم پهلویستی ماندگار کرد

معاصر ایران، در این باره می‌نویسد:

«ز نیمه دوم دهه ۴۰ شمسی جنس از تباطات محمدرضاشاه با تشکیلات فراماسونری، مقداری عیان تر و آشکار تر می‌شود و البته نقش از نست پرون را در این برهه، جعفر شریف‌امامی برای شاه‌ایفا می‌کند. شاه در سال ۱۳۴۷، دستور به تشکیل لژ بزرگ ایران می‌دهد. در دهم اسفند ۱۳۴۷، مجمع عمومی ماسون‌های ایرانی و خارجی با حدود ۳۰۰ نفر شرکت‌کننده، در «هتل ونک» تهران به ریاست شریف‌امامی برگزار می‌شود و در همین جلسه، شریف‌امامی با نظر و تأیید مستقیم محمدرضا، به ریاست لژ بزرگ ایرانیان انتخاب می‌شود. سندرسمی ساواک نیز، نظر مثبت شاه در تعیین شریف‌امامی به‌عنوان رئیس لژ را تأیید می‌کند. در شریفیایی که آقای دکتر سعید مالک به حضور شاهنشاه آر امپراطور حاصل کرده، به‌منظور ریاست یکی از آقایان: دکتر منوچهر اقبال، دکتر سیدحسین امامی و مهندس شریف‌امامی، پیشنهاد به شرف عرض رسانیده… شاهنشاه آریامهر، آقای مهندس شریف‌امامی را جهت سرپرستی لژ بزرگ ایران انتخاب فرمودند… شریف‌امامی از جمله فراماسونرهایی بود که از تشکیلات فراماسونری حقوق دریافت می‌کرد و به‌عنوان استاداعظم لژهای ایرانی، باستانان اعظم لژهای جهانی رابطه داشت. شاه البته در عرصه فراماسونری ایران، علاوه بر نظارت و حمایت، باز یگردان نیز بود و مهره‌های شطرنج فراماسونری مالی از تشکیلات شریف‌امامی (لژ بزرگ ایران) بر لژهای جهانی رابطه داشت. شاه البته در عرصه فراماسونری ایران، علاوه بر نظارت و حمایت، باز یگردان نیز بود و مهره‌های شطرنج فراماسونری مالی از تشکیلات شریف‌امامی (لژ بزرگ ایران) بر لژهای جهانی رابطه داشت. شاه البته در عرصه فراماسونری ایران، علاوه بر نظارت و حمایت، قصد داشت جناح وابسته به شریف‌امامی را در مقبلر جناح قدیمی علا‌که دیگر فراماسون قهار دوره پهلوی دوم بود، تقویت کند…»

به محض اینکه دهنه از قدری شسل بدهی، شریف‌امامی آدم متفاوتی می‌شود!
گفتمیک که شریف‌امامی بخش مهمی از پیشرفت خویش را، مدیون حمایت‌های شاه بود. با این همه بد نیست که از طریقی به نگاه واقعی پهلوی دوم به وی مطلع شویم. امیر اسدالله علم در روزنگاشت ۱۲۵مهر ۴۲، درباره دآوری پادشاه درباره وی را، اینگونه به تاریخ سپرده است:

«شرفیاب شدم… شاه ضمن اشاره به انتخاب سناتور انتخابی جدید تهران گفت: با این شریف‌امامی اگر با قدرت عمل کنی، بسیار خوش‌اخلاق و خوش‌روست، اما به محض اینکه دهنه از قدری شسل بدهی، به کلی آدم متفاوتی می‌شود و از سربیزی و اطاعت دیگر خبری نیست. عرض کردم: بسیاری از ایرانیان چنین هستند، خدا را شکر که اکنون تحت حکومت اعلیحضرت قسار داریم و می‌توانیم مملکت را به دمکراسی واقعی عادت بدهیم…»



«استاد اعظم» و حرص ثروت‌اندوزی
حضور مداوم شریف‌امامی در کانون‌های قدرت سیاسی و اقتصادی، برای وی بس مفید و پرموهبت بود. او به مدد این مال‌اندوزی حریصانه، توانست به یکی از ثروتمندترین رجال پهلوی مبدل شود. او از مراکز مستحبات حقوق می‌گرفت و در مورد بسیاری از کارخانجات، مراکز تولیدی و حتی کازینوها و کباب‌ها شریک بود. همین امر اما، بر قدرت و جایگاه وی در سیستم پهلویستی می‌افزود و مانایی وی را

بر این باور است: «برای شریف‌امامی که حضور سیاسی خویش در دوره پهلوی دوم را با اتهام جاسوسی برای آلمان‌ها آغاز کرده بود، دوری از مرکز قدرت و ثروت چندان آسان نمی‌نمود و همین مهم سبب شد!افاصله‌پس از پایان کار دولت امینی و روی کار آمدن اسدالله علم به‌عنوان نخست‌وزیر، جایابی وی در بنیاد پهلوی به‌عنوان نایب تولیه این نهاد محکم‌شود و از این طریق، زمینه‌ساز برای فساد مالی وی نیز مهیا گردد. حضور در رأس بنیاد پهلوی، شریف‌امامی را به نزدیک‌ترین مقام مالی به محمدرضا پهلوی نیز تبدیل کرد. وی تلاش کرد در دوره حضور در این نهاد، علاوه بر منتفع ساختن خاندان پهلوی، کیسه مالی بزرگی نیز برای خود بدوزد!هرچند خود مدعی بود که در دوره حضورش در این نهاد، وجوه در طرق صحیح خود مصرف و سرمایه‌گذاری می‌شد و اتهامات سوءاستفاده مالی را قبول نداشت. البته البته مسئله مال‌اندوزی و فساد مالی شریف‌امامی قابل کتمان نبود، همچنان که هرچه جایگاه‌وی در ساختار نظام پهلوی دوم مستحکم‌تر می‌شد، این مال‌اندوزی و فساد نیز افزایش پیدا می‌کرد. برای مثال پراساس یک سند معتبر باقی‌مانده شریف‌امامی

علاوه بر حقوقی که رسماً در هر ماه از مجلس سنا، بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، بنیاد پهلوی، اتاق صنایع دریافت می‌دارد، از چند کارخانه ملی مانند کارخانه شاه‌پسند و… نیز مبالغی به‌عنوان مشاور دریافت می‌کرد که مجموعاً در ماه در حدود یکصدهزار تومان می‌شد!انکه جالب دیگر در مورد مختصات سیاست‌ورزی شریف‌امامی این بود که وی از طریق مشارکت در سود کارخانجات، بنگاه‌های اقتصادی، کازینوها و کباب‌ها عایدات هنگفتی به‌دست می‌آورد و همین عایدات، وی را به یکی از ثروتمندترین عناصر شریف‌امامی با نظر و تأیید مستقیم محمدرضا، به ریاست لژ بزرگ ایرانیان انتخاب می‌شود. سندرسمی کابلیوزر را نیز می‌کند. در یکی از نخستین اقدامات خود دستور تعطیلی کازینوها و کباب‌هایی را داد که خود با مؤثرن آنها بود و یا از چرخه‌های کلان آنها، سودهای باذآورده به جیب می‌زد…»

به محض اینکه دهنه از قدری شسل بدهی، شریف‌امامی آدم متفاوتی می‌شود!
گفتمیک که شریف‌امامی بخش مهمی از پیشرفت خویش را، مدیون حمایت‌های شاه بود. با این همه بد نیست که از طریقی به نگاه واقعی پهلوی دوم به وی مطلع شویم. امیر اسدالله علم در روزنگاشت ۱۲۵مهر ۴۲، درباره دآوری پادشاه درباره وی را، اینگونه به تاریخ سپرده است:

«شرفیاب شدم… شاه ضمن اشاره به انتخاب سناتور انتخابی جدید تهران گفت: با این شریف‌امامی اگر با قدرت عمل کنی، بسیار خوش‌اخلاق و خوش‌روست، اما به محض اینکه دهنه از قدری شسل بدهی، به کلی آدم متفاوتی می‌شود و از سربیزی و اطاعت دیگر خبری نیست. عرض کردم: بسیاری از ایرانیان چنین هستند، خدا را شکر که اکنون تحت حکومت اعلیحضرت قسار داریم و می‌توانیم مملکت را به دمکراسی واقعی عادت بدهیم…»

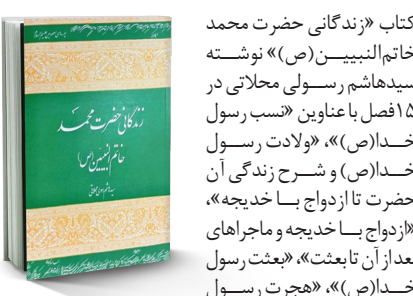
حضور مداوم شریف‌امامی در کانون‌های قدرت سیاسی و اقتصادی، برای وی بس مفید و پرموهبت بود. او به مدد این مال‌اندوزی حریصانه، توانست به یکی از ثروتمندترین رجال پهلوی مبدل شود. او از مراکز مستحبات حقوق می‌گرفت و در سود کازینوها و کباب‌ها شریک بود. همین امر اما، بر قدرت و جایگاه وی در سیستم پهلویستی می‌افزود و مانایی وی را افزون می‌ساخت
علاوه بر حقوقی که رسماً در هر ماه از مجلس سنا، بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، بنیاد پهلوی، اتاق صنایع دریافت می‌دارد، از چند کارخانه ملی مانند کارخانه شاه‌پسند و… نیز مبالغی به‌عنوان مشاور دریافت می‌کرد که مجموعاً در ماه در حدود یکصدهزار تومان می‌شد!انکه جالب دیگر در مورد مختصات سیاست‌ورزی شریف‌امامی این بود که وی از طریق مشارکت در سود کارخانجات، بنگاه‌های اقتصادی، کازینوها و کباب‌ها عایدات هنگفتی به‌دست می‌آورد و همین عایدات، وی را به یکی از ثروتمندترین عناصر شریف‌امامی با نظر و تأیید مستقیم محمدرضا، به ریاست لژ بزرگ ایرانیان انتخاب می‌شود. سندرسمی ساواک نیز، نظر مثبت شاه در تعیین شریف‌امامی به‌عنوان رئیس لژ را تأیید می‌کند. در شریفیایی که آقای دکتر سعید مالک به حضور شاهنشاه آر امپراطور حاصل کرده، به‌منظور ریاست یکی از آقایان: دکتر منوچهر اقبال، دکتر سیدحسین امامی و مهندس شریف‌امامی، پیشنهاد به شرف عرض رسانیده… شاهنشاه آریامهر، آقای مهندس شریف‌امامی را جهت سرپرستی لژ بزرگ ایران انتخاب فرمودند… شریف‌امامی از جمله فراماسونرهایی بود که از تشکیلات فراماسونری حقوق دریافت می‌کرد و به‌عنوان استاداعظم لژهای ایرانی، باستانان اعظم لژهای جهانی رابطه داشت. شاه البته در عرصه فراماسونری ایران، علاوه بر نظارت و حمایت، باز یگردان نیز بود و مهره‌های شطرنج فراماسونری مالی از تشکیلات شریف‌امامی (لژ بزرگ ایران) بر لژهای جهانی رابطه داشت. شاه البته در عرصه فراماسونری ایران، علاوه بر نظارت و حمایت، قصد داشت جناح وابسته به شریف‌امامی را در مقبلر جناح قدیمی علا‌که دیگر فراماسون قهار دوره پهلوی دوم بود، تقویت کند…»

سشنبه ۲۶مهر ۱۴۰۱
شماره ۸۶۱۵

تاریخ اسلام

زندگانی حضرت محمد،

خاتم النبیین (ص)



کتاب «زندگانی حضرت محمد خاتم‌النبیین(ص)» نوشته سیدهاشم رسولی محلاتی در ۱۵فصل با عناوین «سبب رسول خدا(ص)»، «ولادت رسول خدا(ص)» و شرح زندگی آن حضرت تا ازدواج با خدیجه و ماجراهای بعداز آن تابعث، «بعثت رسول خدا(ص)»، «هجرت رسول خدا(ص)»، «سال دوم هجرت و جنگ بدر»، «سال سوم هجرت و جنگ احد»، «سال چهارم هجرت»، «سال پنج هجرت و غزوه خندق»، «سال ششم هجرت»، «سال هفتم هجرت»، «سال هشتم هجرت»، «سال نهم هجرت»، «سال دهم هجرت» و «سال یازدهم هجرت» به بررسی زندگی پیامبر اسلام(ص) از آغاز و پس از آن به‌طور جداگانه از سال‌های پس از بعثت و هجرت رسول اسلام(ص) تحریر شده است. نکته قابل توجه و پراهمیت این کتاب، نثر ساده و داستانی نویسنده است که تمامی وقایع مربوط به زندگی پیامبر بزرگ اسلام(ص) را با روایتی داستان‌گونه به تصویر می‌کشد. فصل نخست کتاب به بررسی «سبب» رسول خدا(ص) اختصاصی دارد و نویسنده تلاش دارد تا با بررسی پیشینه قوم‌های مختلف در آن زمان عربستان، نسب رسول خدا(ص) را شناسایی کند. همچنین فصل دوم کتاب دربرگیرنده موضوع ولادت رسول خدا(ص) است و نویسنده تلاش می‌کند تا به بیان پشارت‌های حکما و دانشمندان پیش از اسلام بپردازد و بتواند اثبات کند که از زمان نخستین پیامبر اولوالعزم، رسالت حضرت محمد(ص) بشارت داده شده است. چاپ بیست‌وپنجم کتاب «زندگانی حضرت محمد خاتم‌النبیین(ص)» در ۶۶۷صفحه و قیمت ۶۰۰۰تومان از سوی انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ و منتشر شده است.

تاریخ اسلام

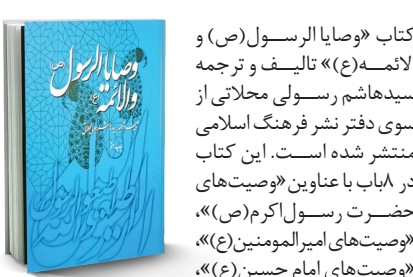
پیامبران و اعجاز قرآن



کتاب «پیامبران و اعجاز قرآن» نوشته حسین اوسطی در قالب ۱۵درس با عناوین «هل نبوت و پیامبری»، «بعثت انبیاء و عدالت اجتماعی»، «پدیده عصمت‌انبیاء»، «بدیبه وحی» «عجاز»، «خصایص انبیاء و مکتب ایشان»، «چند سؤال درباره بحث نبوت»، «قرآن کریم و اعجاز در بلاغت»، «قرآن کریم و خیر دادن از غیبت و نهان»، «قرآن کریم و علوم بشری»، «عجاز هدایت قرآن کریم»، «قرآن کریم و اتمی بودن پیامبر(ص)»، «قرآن کریم و نبود اختلاف در آن»، «قرآن کریم و علوم بشری»، «اعجاز قرآن کریم در نظم حروف و کلمات و عظمت آن» و «دلایل فراوان بر اثبات نبوت حضرت محمد(ص)» تنظیم و از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شده است. در مطالب این کتاب سعی شده به‌طور فشرده و اختصار به شاخص‌های رسالت و نبوت پرداخته شود و ضرورت وجود آن را در جامعه که از آن به نبوت عامه تعبیر می‌شود، به اثبات برساند. همچنین پیرامون رسالت حضرت ختمی مرتبت، محمد بن عبدالله، پیامبر عظیم‌الشان اسلام، سخن به‌میان آمده که معروف به نبوت خاصه است. است. توجه به اینکه در بیان معجزات حضرت، به اعجاز قرآن پرداخته شده که معجزه ماندگار پیامبر اسلام است، در هر عصر و زمانی، آن کتابی که چشم دوست و دشمن را به‌خود خیره کرده است و هر کس از آن راهنمایی بخاهد او را به‌بهترین استوارترین راه‌ها، راهنمایی خواهد کرد، همانا قرآن کریم است.

تاریخ اسلام

وصایا الرسول (ص) و الائمه (ع)



کتاب «وصایا الرسول (ص) و الائمه(ع)» تألیف و ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شده است. این کتاب در ۱۵باب با عناوین «وصیت‌های حضرت رسول اکرم(ص)»، «وصیت‌های امیرالمومنین(ع)»، «وصیت‌های امام حسین(ع)»، «وصیت‌های امام سجاد(ع)»، «وصیت‌های امام باقر(ع)»، «وصیت‌های امام صادق(ع)»، «وصیت‌های امام کاظم(ع)» و «وصیت‌های امام جواد و امام حسن عسکری(ع)» تألیف شده است. در باب نخست کتاب وصیتی از حضرت رسول(ص) درباره حضرت علی(ع) آمده است: «در کتاب بشارت‌المصطفی به سندش از عماربن یاسر روایت کرده که رسول خدا(ص) فرمود: وصیت و سفارش می‌کنم هر کس را که به من ایمان آورده و مرا تصدیق کرده به ولایت علی بن ابی‌طالب(ع)، هر کس او را دوست بدارد حتماً مرا دوست داشته و هر کس دوست بدارد خدای را دوست داشته است و هر کس محبت علی را داشته باشد به راستی که محبت مرا داشته و هر کس محبت مرا داشته باشد، محبت خدا را داراست و کسی که او را میغوض دارد مرا میغوض داشته و هر کس مرا میغوض دارد، خدای عزوجل را میغوض داشته.» همچنین نویسنده در باب دوم، چند وصیت پیامبر از زنده‌از امیرالمومنین(ع) آورده است: «در کتاب امالی موسی از جمله وصیت‌های امیرالمومنین(ع) به یکی از فرزندان یا نزدیکان خود) در هنگام وفات آن حضرت این بود که فرمود: تو را سفارش می‌کنم به خوش همسایگی و مهمان‌نوازی و ترحم و مهرورزی نسبت به مردمان گرفتار و پلارسیده و صله رحم و دوستی با مسکینان و هم‌نشینی با آنان…»